

مسئولیت پذیری اجتماعی نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه روستایی

محمد صادق ابراهیمی^۱

سلیمه صالحی^۲

چکیده

لازمه توسعه پایدار روستایی، دستیابی به رضایت حداکثری روستائیان از اقدامات انجام شده می باشد. در عصر حاضر رویکرد نهایی سازمان‌ها در هر جامعه ای جذب حداکثر رضایت افراد ذینفع می باشد. جوامع روستایی به دلیل ماهیت توسعه گرای آن بیش از سایر جوامع نیازمند جلب رضایت افراد ذینفع می باشند. در رابطه با مقوله توسعه روستایی در ایران سازمان‌های متولی زیادی وجود دارند که به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم با جامعه هدف در ارتباط هستند. تداخل وظایف سازمانی موجب عدم دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده می شود. این مطالعه با هدف ارزیابی مسئولیت اجتماعی نهادها و سازمان‌های متولی حوزه روستایی به صورت تحلیلی مروری با استناد به مطالعات انجام شده، صورت پذیرفته است. نتایج مطالعه نشان داد لازمه تعهدات سازمانی به مقوله مسئولیت اجتماعی، توجه به نیازهای ذینفعان، شفاف سازی اقدامات و لزوم پاسخگویی به جامعه هدف روستایی می باشد. از سوی دیگر عدم روشنگری و تکریم روستائیان در جهت ارائه خدمات موجب نارضایتی روستائیان از عملکرد سازمانی می شود. نکته دیگر در مقوله توسعه روستایی مشارکت ضعیف یا سهم اندک سازمان‌های مردم نهاد در اجرای طرح‌های روستایی می باشد و شایان ذکر است که نظام متمرکز اجرایی در موفقیت طرح‌ها بدون توجه به خواست روستائیان نمی تواند موفق باشد.

واژگان کلیدی: مسئولیت پذیری اجتماعی، سازمان‌ها، توسعه روستایی.

۱- مقدمه:

یکی از الزامات اساسی جهت دستیابی به توسعه مستمر و پایا بررسی تحلیلی ساختارهای مرتبط در رابطه با مقوله توسعه ای می باشد. اصولاً دستیابی به توسعه مستلزم همکاری سازمان‌های متولی جهت تحقق توسعه پایدار می باشد. به طور اعم دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی، از آرمان‌هایی است که ذهن بشر را به خود مشغول نموده است. و توسعه زمانی تحقق می‌یابد که از تمامی عوامل، امکانات و منابع تولید استفاده بهینه به عمل آید. از سوی دیگر به طور اخص، توسعه روستایی فرآیندی جامع و چند بعدی است و زمانی تحقق می‌یابد که به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، نهادی و کالبدی - محیطی آن توجه لازم صورت پذیرد؛ امری که در نظام برنامه‌ریزی کشور توجه چندانی به آن نشده است. حاکمیت نگاه بخشی در فرآیند برنامه‌ریزی کشور و فقدان دید کل نگر سبب شده تا هر بخش به طور مجزا مورد توجه قرار گیرد. عدم تعادل و افزایش شکاف بین روستاها و شهرها، ضعف دسترسی سکونتگاه‌هایی روستایی به خدمات زیربنایی، رفاهی، مسائل اشتغال‌زایی و فرهنگی از جمله چالش‌هایی

^۱ استادیار گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

است که سکونتگاه‌های روستایی با آن مواجهه است (دربان آستان، ۱۳۹۵: ۱۲). به منظور برقراری عدالت و هم‌چنین حصول توسعه انسانی، شناخت چالش‌ها و موانع برای ارائه راهکارهای مناسب، ضرورتی اساسی و بنیادی است. که معمولاً دولت‌ها وظیفه ایجاد زمینه‌های عدالت اقتصادی - اجتماعی و توسعه انسانی را بر عهده دارد. از این‌رو، سکونتگاه‌های روستایی تحت عنوان نظام به‌هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر از کنش متقابل و عوامل محیطی شکل گرفته است، دارای ساختار و کارکردهای متنوعی است که نیازمند توجه به آن در تمامی ابعاد کالبدی - فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است. نواحی روستایی به عنوان ارگانیک در فضای جغرافیایی، همواره در مسیر تغییر و تحولات بیشماری بوده است. از این‌رو برخی از برنامه‌ریزی‌ها در راستای سکونتگاه‌های روستایی به پیش بینی و شناخت اولیه مسائل بستگی دارد که این شناخت و پیش‌بینی نیاز به مدیریت صحیح در قالب نهادها و سازمان‌های مختلف دارد. در زمینه‌ی مدیریت روستایی آنچه مهم است، اثر تفاوت‌های روستایی و نقش این تفاوت‌ها در برنامه‌ریزی توسعه روستایی است. از این‌رو مدیریت روستایی از ارکان جدانشدنی توسعه روستایی است؛ از سوی دیگر، مناطق باید سبک توسعه خاص خود را پایه‌ریزی و سیستم‌های جدید مدیریتی، نباید یک روش یکپارچه را در مجموع روستاها ارائه دهد؛ در این مرحله است که جایگاه نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه ساختاری - کارکردی روستاها مشخص می‌گردد (طالب و بخشی زاده، ۱۳۸۸: ۳۲). این نهادها و سازمان‌ها هر کدام وظایف خاصی را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی بر عهده دارند. که وظایف برخی از این نهادها و سازمان‌ها به صورت تلفیقی از ابعاد و یا به صورت تک بعدی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و توسعه روستایی اقدام می‌کنند. هماهنگ سازی این ابعاد یک نتیجه‌ی واقعی و حقیقی را نشان می‌دهد. که تحت عنوان توسعه پایدار شناخته می‌شود نکته‌ی مهم دیگر اینکه، محقق شدن روند ابعاد توسعه پایدار روستایی منجر به توسعه‌ی منطقه‌ای و ملی خواهد شد؛ چرا که امروزه نظام فضایی تعیین کننده توسعه منطقه‌ای و ملی است و این نظام متشکل از شهرها و نقاط روستایی است که با توسعه نقاط روستایی، دیگر سکونتگاه‌های انسانی نیز می‌تواند روند رو به رشد و پایداری داشته باشد. بنابراین جهت پایداری روستاها در راستای توسعه‌ی منطقه‌ای، عملکرد نهادها و سازمان‌های مطابق با وظایف و شاخص‌های مختلف توسعه پایدار، بسیار مهم و دارای اهمیت است؛ چرا که این نهادها و سازمان‌ها هستند که با برنامه‌ریزی و هدایت جامعه روستایی از نظر ساختاری - کارکردی می‌توانند سبب توسعه و پایداری آن شود یا اینکه با عملکرد نادرست ناشی از عدم شناخت و برنامه‌ریزی مناسب، روند توسعه را کند و یا به کلی متوقف نماید؛ به عبارت دیگر اهمیت مسئله از آنجا آشکار است که روستاها به عنوان بخشی از جامعه کشور با مشکلات بسیاری روبه‌رو است و از سوی دیگر بسیاری از مشکلات شهری نیز در نتیجه‌ی عدم برنامه‌ریزی مناسب در راستای پایداری سکونتگاه‌های روستایی است. آنچه در این زمینه بسیار مهم جلوه می‌کند، ابعاد مدیریتی نهادها و سازمان‌های مربوط به توسعه روستاها است که هر چند نسبت به دوره‌های قبل تغییرات بسیاری به وجود آمده ولی این تغییرات به پایداری محیط‌های روستایی منجر نشده است. در این میان عملکرد ساختاری - کارکردی نهادها و سازمان‌های مرتبط با وضع کنونی روستاها بسیار تعیین کننده بوده است؛ بنابراین با توجه به جایگاه روستاها که توسعه آن به توسعه منطقه‌ای و ملی کمک خواهد کرد ضرورت و اهمیت بررسی عملکرد نهادها و سازمان‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی روستاها مشخص می‌شود. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۹، ۲۱) با توجه به مباحث مطروحه، این مطالعه با هدف ارزیابی

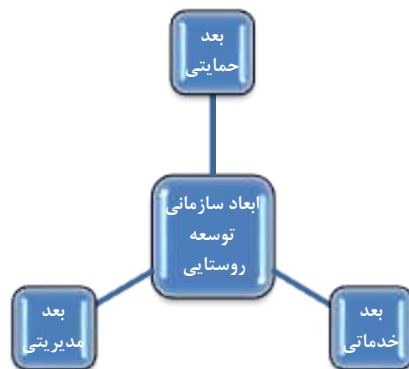
هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

مسئولیت اجتماعی نهادها و سازمان های مرتبط با توسعه روستایی، صورت می پذیرد. در واقع باید بتوان مشخص نمود چه سازمان های در رابطه با توسعه روستایی مشارکت داشته و هر یک چه سهم در ارائه خدمات و مسئولیت خود ایفا می نمایند.

۱-۱- بیان مسئله

توسعه روستایی یک مقوله ای چند وجهی می باشد. در واقع باید گفت فرایند توسعه شامل مقولات مختلفی همچون اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی می باشد. در مدل توسعه ای جمهوری اسلامی ایران هر یک از بخش های توسعه ای به یک ارگان خاص سپرده شده است. در واقع مسئله اصلی این مطالعه، بررسی و ارزیابی مسئولیت اجتماعی سازمان های متولی در روستاها می باشد (طالب، ۱۳۸۸:۱۰). در رابطه با مقوله مسئولیت اجتماعی باید مشخص شود هر سازمان و نهاد متولی چه نقشی در توسعه یافتگی جوامع روستایی ایفا نموده است؟ و بازخورد این اقدامات چه دستاوردهای بوده است؟ و جامعه هدف (همان روستائیان ذینفع) تا چه میزان از خدمات دریافتی رضایت مندی داشته اند؟ و چه اقداماتی می تواند به شفاف سازی عملکرد دستگاه های متولی حوزه روستا کمک نماید. تمام سوالات فوق مستلزم بررسی همه جانبه سازمانی های روستایی می باشد. در واقع در حوزه توسعه ای روستا بیش از ۱۵ سازمان بصورت ملموس و غیر ملموس با بخش روستایی در ارتباط هستند که از عمده ترین سازمان ها می تواند به مدل سازمانی حوزه روستایی اشاره کرد.

شکل (۱) مدل سازمانی توسعه روستایی



در بعد حمایتی، با توجه به وجود افراد آسیب پذیر می توان به سازمان های همچون کمیته امداد و سازمان بهزیستی، در بعد خدماتی می توان به مراکز درمانی، رفاهی همچون مراکز بهداشت، و بانک ها و جهاد کشاورزی در بعد مدیریتی می توان به دهیاری ها اشاره کرد. مسئله مسئولیت اجتماعی در واقع مبین پاسخگویی و تعهد به اهداف سازمانی ارگان مختلف به روستائیان می باشد که مشخص شود وضعیت رضایت مندی روستائیان از عملکرد سازمانی به چه میزان می باشد و چه مشکلاتی جهت پاسخگویی و خدمات دهی وجود داشته و چه اقداماتی برای رفع این موانع می توان بکار برد.

۱-۲- اهمیت و ضرورت مطالعه

شناخت دقیق مسایل مربوط به روستاهای ایران از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، در مناطق روستایی قرار دارد (تودارو، ۱۳۹۰). یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت های شغلی است. توسعه و عمران روستایی در چند دهه

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

اخیر همواره یکی از دغدغه‌های اصلی توسعه در ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه بوده است. در بسیاری از کشورها، توسعه روستایی به مثابه راهبردی با اهمیت برای تامین نیازهای اساسی و توزیع بهینه منافع ناشی از توسعه ملی تلقی شده و بدین منظور نیز با شیوه‌های متعدد، الگوهای متنوعی برای توسعه روستایی تجربه شده که عمدتاً دستاوردهای مطلوبی نداشته و هنوز نیز سهم جوامع روستایی جهان سوم از توسعه و پیشرفت بسیار اندک است و اکثر فقرای این کشورها یا در روستاها به سر می‌برند و یا شهرنشینی عمدتاً حاشیه‌نشین با منشاء روستایی بوده‌اند (رضوانی، ۱۳۹۴: ۲۹). تامین توسعه روستایی جز با تعاملات بین‌سازمانی و مشارکت روستائیان ممکن نخواهد بود (حاجی-زاده، ۱۳۹۳: ۲). در واقع زمانی می‌توان به توسعه روستایی نائل گشت که سازمان‌های متولی بتوانند مسئولیت اجتماعی خود را به نحو احسن انجام دهد. با وجود گذشت چند دهه از مدیریت نوین روستایی در کشور هنوز بخش روستایی از ضعف ساختاری منسجم رنج می‌برد و بطور واضح وظایف سازمانی ارگان‌های متولی مشخص نیست و این تداخل‌ها موجب عدم پاسخگویی سازمان‌ها و رضایت مندی نه‌چندان مناسب روستائیان می‌شود در واقع هنوز معیار مناسبی جهت بررسی نحوه خدمات دهی و ارزش‌بندی مسئولیت‌سازمانی در قبال روستائیان مشخص نیست و تا زمانی که متولی خاصی در حوزه توسعه روستایی مشخص نشود نمی‌توان به معیارهای اجتماعی روستایی نائل شد (زاهدی، مازندرانی، ۱۳۸۸: ۲۳). با توجه به اهمیت روستا در حوزه‌های اشتغال‌زایی، تثبیت جمعیت و تامین امنیت غذایی، این مطالعه با هدف بررسی مسئولیت اجتماعی سازمان‌های متولی توسعه روستایی به دنبال پاسخگویی سوالات زیر می‌باشد

- ۱- سازمان‌های دولتی چه وظایفی در قبال توسعه جوامع روستایی ایفا می‌نمایند؟
- ۲- مسئولیت اجتماعی چه جایگاهی در توسعه یافتگی سازمانی در مناطق روستایی ایفا می‌نماید؟
- ۳- چه موانعی در جهت ارتقا مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در قبال روستائیان وجود دارد؟
- ۴- چه معیارهای می‌تواند باعث بهبود مسئولیت اجتماعی سازمان‌های دولتی و غیر دولتی در مناطق روستایی شود؟

۲- مبانی نظری

انجام یک مطالعه علمی، منوط به شناخت عوامل موثر بر مطالعه می‌پردازد. به منظور بررسی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در فرایند توسعه روستایی در وهله اول تبیین مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (شامل تعاریف، دیدگاهها و مدل‌های مسئولیتی) امری ضروری می‌باشد که در ادامه به مفهوم مسئولیت اجتماعی می‌پردازیم.

۲-۱- تبیین مفهومی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها

مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در دهه اخیر به پارادایم غالب و مسلط حوزه‌ی اداره شرکت‌ها تبدیل شده است و شرکت‌های بزرگ و معتبر جهانی مسئولیت در برابر اجتماع و محیط اجتماعی را جزئی از استراتژی شرکتی خود می‌بینند. این مفهوم موضوعی است که هم‌اکنون در کشورهای توسعه یافته و کشورهای با اقتصاد باز به شدت از سوی تمامی بازیگران همچون حکومت‌ها، شرکت‌ها، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی و مراکز علمی دنبال می‌شود (کردلو و نیازی، ۱۳۹۲).

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

حکومت‌ها به مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها از منظر تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها و حرکت در جهت توسعه پایدار نگاه می‌کنند

سازمان‌ها مسئولیت اجتماعی سازمانی را نوعی استراتژی تجاری می‌بینند که باعث می‌شود در فضای به شدت رقابتی، بر اعتبارشان افزوده شود و سهمشان در بازار فزونی گیرد

جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی، به این دلیل از شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی می‌خواهند که به رسوایی‌های مالی و فجایع حاصل از عملکرد شرکت‌ها آگاهی و اشراف دارند

سازمان‌های بین‌المللی با توجه به اینکه تاثیرگذاری شرکت‌ها در دنیای امروز بسیار بیشتر از حکومت- هاست، حل چالش‌های جهانی را بدون مشارکت شرکت‌ها غیرممکن می‌دانند، همچنین بسیاری از

سیاست‌مداران به نوعی مدیران شرکت‌ها نیز هستند

مراکز علمی و دانشگاهیان نیز به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از زاویه‌ی نقش شرکت‌ها در توسعه یک کشور، توسعه دموکراسی، تداخل وظایف، مسئولیت‌های یک شرکت یا حکومت و هم‌پوشانی حاصل از آن

می‌نگرد. به همین دلیل است که امروزه در جهان رقابت، موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به پارادایمی غالب در حوزه اداره شرکت‌ها تبدیل شده است. (صلواتی، ۱۲: ۱۳۹۴)

۲-۲- سابقه پیدایش مفهوم مسئولیت اجتماعی:

مسئولیت اجتماعی شرکت مفهومی است که در اواسط قرن بیستم در آمریکا مطرح شد و توجه بسیاری را در محافل اقتصادی، علمی، سیاسی جهان به خود جلب کرد. ظهور مسئولیت اجتماعی شرکت در سال-

های اخیر ریشه در داد و ستدهای جهانی، پیچیده‌تر شدن فضای کسب و کار، تقاضا برای شفافیت در کسب و کار و پاسخی به تحولات و چالش‌های جهانی شدن بوده است. مدل‌های اولیه مسئولیت

اجتماعی شرکت در دهه ۱۹۶۰ ظاهر گشت که جنبه‌ی اجتماعی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را به طور مستقیم به مسئولیت‌هایی بالاتر و ورای مسئولیت‌های اقتصادی و قانونی ربط می‌داد. سازمان‌های بین

الملل همچون سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نه تنها پژوهش و ترویج مسئولیت اجتماعی را تایید کردند بلکه دستورالعمل‌ها و واحدهای دایمی کاری را به وجود

آوردند (Ngeh, ۲۰۱۳). CSR مفهومی که بر اساس آن شرکت‌ها به طور داوطلبانه تصمیم به مشارکت در ساختن یک جامعه بهتر و محیط پاکیزه‌تر می‌گیرند. مفهومی که با توجه به آن شرکت‌ها، نگرانی‌های

اجتماعی و زیست محیطی را در فعالیت‌های عملیاتی کسب و کار در تعامل با گروه‌های ذینفع خود در نظر می‌گیرد (ارنامی، ۷: ۱۳۸۴).

۲-۳- تعریف مفهوم مسئولیت اجتماعی:

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یعنی مسئولیت شرکت در پاسخ‌گویی به پیامدهای فعالیت‌هایی که جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. منظور از جامعه، همه ذینفعان شرکت است. مهمترین ذینفعان شرکت

که در موقعیت شرکت به صورت مستقیم و غیر مستقیم مؤثر هستند عبارتند از مصرف‌کنندگان، کارکنان، مالکان یا سهامداران و جامعه این موضوع باید به یک فرهنگ سازمانی تبدیل شود تا با رفتن

یک فرد از بین‌نرود و همه اعضای سازمان بدانند که با رفتن آن مدیر هم باید به همین روش عمل کنند. به عبارت دیگر مسئولیت اجتماعی شرکتی یک باور سازمانی است که به دنبال خلق ارزش

مشترک بین ذینفعان شرکت است و یک پروژه نیست که آغاز و پایانی داشته باشد. نباید برنامه‌های

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

مسئولیت پذیری اجتماعی فعالیتی جداگانه از فعالیت‌های روزانه کسب و کار شرکت باشد. در نمودار زیر ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی آورده شده است. (ارنامی، ۱۳۸۴: ۶)

۲-۴-۲ دیدگاه‌های نظری در مورد مسئولیت پذیری اجتماعی

گونه‌شناسی در موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتها و مدیریت منابع انسانی در اشکال سه‌گانه شامل رهیافت‌های ابزاری، اجتماعی و سیاسی می‌باشد که به طور خلاصه این موارد را می‌توان به صورت موارد زیر جمع‌بندی و ارائه نمود:

۲-۴-۱-۲ دیدگاه ابزاری (فنی) به مسئولیت‌پذیری اجتماعی

در این روش که با تکیه صریح یا ضمنی از مسئولیت اجتماعی به عنوان ابزاری برای مدیریت منابع انسانی مبتنی بر مدیریت منابع انسانی استراتژیک استفاده می‌شود به دنبال آن شیوه افزایش مسئولیت اجتماعی در سازمانها یا معادل آن در نظر گرفته شده، و به عنوان یک رهیافت استراتژیک در شیوه‌های مدیریت منابع انسانی از مسئولیت‌پذیری اجتماعی استفاده می‌گردد (گرنوود، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵)

۲-۴-۲ دیدگاه یکپارچگی اجتماعی در ارتباط با مسئولیت اجتماعی

دیدگاه یکپارچه اجتماعی در ارتباط با مسئولیت اجتماعی نشان می‌دهد که خواسته‌های اجتماعی باید با عنوان یک مفهوم یکپارچه، در کسب و کار و جامعه وابسته به یکدیگر برای تداوم و رشد و توسعه در نظر گرفته شود. به طور دقیق، بیان "نرم" در ارتباط با مدیریت منابع انسانی بر اساس تعامل، نیاز ذینفعان با نیازهای و اهداف سازمانی است (وگتن و همکاران، ۲۰۱۲)

۲-۴-۳ دیدگاه سیاسی در بررسی مسئولیت اجتماعی

به عقیده گاریگا و میل ۲۰۰۴ دیدگاه یا رویکرد سیاسی به موضوع مسئولیت اجتماعی به عنوان موضوع، رسیدگی به قدرت در سازمان و جامعه و همچنین مسئولیت همزمان آنها توجه دارد. به همین ترتیب، رویکردهای انتقادی به مدیریت منابع انسانی "پیشرفته مفاهیم در مدیریت منابع انسانی بیشتر در جهت غلبه نظم اقتصادی-اجتماعی مفهوم سرمایه داری" قرار گرفته است. دیدگاه سیاسی در مورد مسئولیت اجتماعی سازمانها و مدیریت منابع انسانی در نتیجه شامل مسائل مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکتها از نظر نقش سازمان در جامعه، موقعیت ذینفعان در مقابل سازمان، روابط قدرت و فعالیت سیاسی آنها تمرکز دارد. سازمان‌ها در نتیجه به عنوان فعالان هر دو عرصه اقتصادی و سیاسی می‌باشند (وگتن و گرنوود، ۲۰۱۶)

۲-۵-۲ بعد مسئولیت اجتماعی در رهبری سازمانی

مسئولیت اجتماعی سازمان در رهبری و فرآیندهای درون سازمانی، مأموریت و چشم‌انداز، خط‌مشی‌ها و رویه‌ها، کدهای اخلاقی و مقررات و آیین‌نامه‌های داخلی

۲-۵-۱-۲ بعد مسئولیت اجتماعی در بازار و صنعت:

تأمین‌کنندگان و پیمانکاران زنجیره تأمین، حقوق مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاری اجتماعی مسئولانه، مسئولیت در قبال محصول، پرداخت به موقع و صحیح مالیات، نقش در اقتصاد ملی و بهره‌وری مدیریت خرید مسئولانه، لابی‌کردن مسئولیت‌پذیر

۲-۵-۲-۲ بعد مسئولیت اجتماعی در قبال جامعه:

مشارکت با نهادهای اجتماعی، کمک‌های خیریه و اسپانسرینگ، کمک به بحران‌های اجتماعی، توسعه مشاغل و مبارزه با بیکاری، توجه به حقوق بشر، داوطلبی شرکتی و حمایت از فعالیت‌های داوطلبی کارکنان

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۲-۵-۳- بعد مسئولیت اجتماعی نسبت به کارکنان:

ایمنی و سلامتی کارکنان، آموزش و توانمندسازی کارکنان، کار شایسته، حقوق بشر، صداقت و شفافیت عملکرد، جلوگیری از رشوه و فساد مالی

۲-۵-۴- بعد مسئولیت اجتماعی در محیط زیست:

کاهش آثار زیان بار دارایی ها و فناوری های سازمان بر محیط زیست (آب، هوا، خاک) و کاهش آلاینده‌گی، مصرف صحیح انرژی، کاهش ضایعات و بازیافت آن، توسعه فناوری های سبز و پایدار منابع



نمودار ابعاد مسئولیت اجتماعی پولمن و کریگر

۲-۶- مسئولیت اجتماعی در حوزه روستا

در رابطه با مسئولیت اجتماعی روستایی کمتر صحبتی به میان آمده است اما باید گفت مقوله توسعه با مقولات شراکتی حوزه اقتصادی اندکی متفاوت است. در حوزه شرکتی، هدف از مسئولیت اجتماعی دستیابی به حق سرمایه ای خود به عنوان عضو ذینفع در آن شرکت می باشد اما این مقوله در حوزه های اجتماعی و روستایی کمی متفاوت است. همانگونه که در رابطه با مسئولیت اجتماعی و ارکان آن مشخص شده، مسئولیت اجتماعی روستایی عمدتاً معطوف به مباحثی همچون اشتغال مولد، سیاست های حمایتی مالی و تسهیم در اجرای پروژه های روستایی و پاسخگو بودن به عملکرد سازمانی می

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

باشد در نگاه کلی باید گفت مسئولیت اجتماعی روستایی یعنی پاسخگو بودن به جامعه هدف و ذکر این نکته که سازمان متولی چه نقشی در پیشبرد اهداف داشته است. یکی از ابعاد مسئولیت اجتماعی حکمروایی مدیریتی در جوامع روستایی است. یک مدیر زمانی می تواند به مسئولیت و وظایف اجتماعی خود عمل کند که به مباحث مدیریت روستایی اشراف کامل داشته باشد (دریان آستانه، ۱۳۹۵: ۱۲).

۷-۲- حکمروایی مدیریتی روستایی

در رابطه با حکمروایی محلی، گودین به این نتیجه رسیده است که حکمروایی محلی ابزار قدرت و موضوع تولید اجتماعی است و پایداری در این موضوع زمانی نهادینه می شود که صاحبان قدرت در جامعه روستایی مشروعیت لازم را داشته باشند. گرونینگرو همکاران در مقاله ای تحت عنوان «پایداری سازی روستاهای افغانستان تحت محدود مرکزی تأثیر دولت» نتیجه گرفته است که زمین و آب، ناامنی، دسترسی، گرفتن زمین و ناپایداری، درگیری، بی‌زمینی روستایی مشکلات زیست‌محیطی وضعیت اموال مشترک از عوامل مهم در پایداری سازی روستاهاست (افتخاری، ۱۳۸۷: ۴۴).

۸-۲- سازمان های متولی روستاها

سازمان پدیده ای اجتماعی به شمار می آید که به طور آگاهانه هماهنگ شده و حدود و ثغور نسبتاً مشخصی دارد و برای تحقق هدف یا اهدافی بر اساس مبانی دایمی فعالیت می کند.

در فرآیند مدیریت توسعه روستایی، وجود سازمان و تشکیلات مناسب در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی متناسب با ساختار جامعه روستایی بسیار ضروری است، زیرا این سازمان‌ها می‌توانند اقدامات و تلاش‌های موجود را در این فرآیند نهادینه کنند. این سازمان‌ها همچنین می‌توانند ماهیت دولتی، مردمی و یا دولتی- مردمی داشته باشند. آن چه مهم است کارآمدی این سازمانها و توان آن‌ها برای جلب مشارکت بیشتر مردم در فرآیند توسعه روستایی است. در ایران تا قبل از دهه ۱۳۴۰ و اجرای اصلاحات ارضی، دولت سازمان کارآمدی در سطوح محلی، منطقه‌ای و مرکزی ایجاد نکرده بود. پس از اصلاحات ارضی با وجود شکل‌گیری سازمانهای روستایی محلی و مرکزی، تغییرات پیاپی قوانین و تشکیل و انحلال مستمر سازمانهای ذیربط در امور روستایی و کشاورزی، مشکلاتی برای مدیریت توسعه روستایی ایجاد کرد. در این میان، برنامه‌های عمرانی که می‌توانست با اتخاذ سیاست‌های خردمندانانه و تخصیص متعادل منابع به امور عمرانی روستاها، تا حدی در پر کردن شکاف‌های اقتصادی- اجتماعی میان جوامع شهری و روستایی موثر باشد، گرفتار همان ویژگی‌های نظام اداری و مدیریت کلان کشور شد و از کارایی باز ماند (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳).

همزمان با وقوع انقلاب اسلامی در کشور، دیدگاه‌های عدالت خواهانه در زمینه گسترش و توزیع خدمات در جهت عمران و آبادانی روستاها بیش از پیش رواج یافت. در این زمان با تشکیل نهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با وجود دستگاههای بخشی با وظایف نسبتاً مشابه و موازی، خصلت مردمی بودن و تبلور عینی برنامه ریزی از پایین به بالا در این نهادها که عمدتاً با هدف عمران و آبادی روستاها و رسیدگی به وضعیت محرومین به وجود آمده بود تجلی نمود. در حوزه توسعه مناطق روستایی می‌توان نیازهای روستایی را به چند بخش تقسیم کرد.

نیازهای رفاهی: با توجه به اختلاف درآمدی مناطق روستایی با مناطق شهری و عدم رسیدگی به مناطق روستایی در گذشته شاهد تضاد طبقاتی زیاد بین جوامع روستایی و شهری و حتی بین قشرهای روستایی هستیم بر همین اساس بنا به تصویب آئین‌نامه‌های حمایتی از مناطق محروم در سال ۱۳۶۷،

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

متولی حمایت از روستاها بعد از ادغام جهاد سازندگی و کشاورزی، معطوف به کمیته امداد انقلاب اسلامی و سازمان بهزیستی می باشد.

- نیازهای کالبدی و زیرساختی: یکی از سازمان های که روستائیان بطور مستقیم و غیر مستقیم با آن ارتباط مستمری دارند بنیاد مسکن انقلاب اسلامی می باشد. این بنیاد وظیفه بهسازی مسکن و کالبد روستاها را به خود اختصاص داده است و مسلماً اجرای طرح های توسعه ای مستلزم شفاف سازی و پاسخگویی مناسب به روستائیان می باشد در واقع می توان گفت مسئولیت اجتماعی این نهاد پاسخگو بودن و تکریم ارباب رجوع روستایی می باشد.

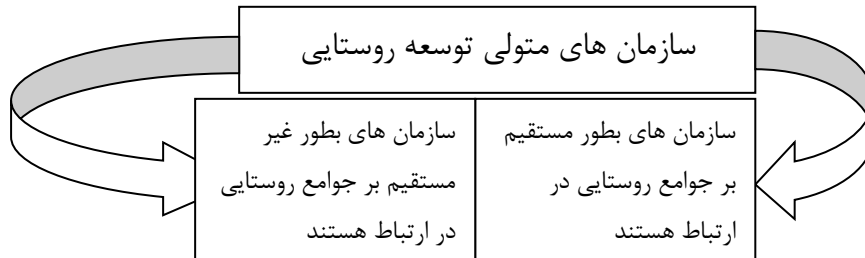
- نیازهای خدماتی و رفاهی: مهمترین نیاز هر انسانی دریافت خدمات پایه ای برای روستائیان می باشد از عمده ترین سازمان های خدماتی حمایتی و رفاهی در مناطق روستایی می توان به سازمان های همچون

۱- دهیاری ها: در جهت پاسخگویی به مشکلات معطوف به خود روستا و حمایت از روستائیان

۲- جهاد کشاورزی: در جهت پاسخگویی به نیازهای کشاورزان از جمله حمایت های تسهیلاتی، ارائه مواد اولیه و بذور مصرفی و خرید مازاد محصولات کشاورزان

۳- مراکز درمانی جهت پاسخگویی به افرادی که جهت دریافت خدمات درمانی به این مراکز مراجعه می نمایند

در حوزه سازمان های متولی می توان به نمودار زیر اشاره کرد که سازمان های متولی را به دو بخش متولی مستقیم و مکملی اشاره کرد.



شکل (۳): سازمان های متولی در روستا

۹-۲- رویکردهای سازمان های متولی روستایی

هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است، از این رو، در فرآیند برنامه ریزی برای دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است. آنچه مسلم است این ضرورت در همه جا به طور همسان مطرح نمی شود و امکانات و منابع در همه جا یکسان نیست. توسعه در هر مکانی نیاز به ایجاد ساختارها و شبکه های منظم و متقابل دارد به گونه ای که نوع ارتباط اجزا در مکان، پایداری آن را حفظ می نماید. محیط روستایی نیز به عنوان سیستم تلقی می شود، از این قاعده، مستثنی نیست. بر این اساس، اگر توسعه روستایی را همانند نظرها تا گاندی، تبدیل روستا به مکان قابل زیست و متناسب با رشد و تعالی انسان فرض نمود، باید به تمامی ساختارهای موجود در محیط روستایی اعم از انسانی و طبیعی توجه نمود تا بتوان مکان متناسب با شخصیت انسان روستایی را ایجاد و بهبود بخشید (طالب، ۱۳۸۷). از جنبه های مهم در زمینه ی توسعه روستایی، توجه به مدیریت روستایی

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

در قالب نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی است. بررسی مدیریت و توسعه روستایی در ایران نشان می‌دهد که تحولات زیادی در این زمینه رخ داده و مدیریت روستایی همواره، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. در زمینه‌ی مدیریت و توسعه روستایی آنچه مهم است اثر تفاوت‌های روستایی و نقش این تفاوت‌ها در برنامه‌ریزی توسعه روستایی است. مناطق باید سبک توسعه‌ی خاص خود را پایه-ریزی کنند و سیستم‌های جدید مدیریتی، نباید یک روش یکپارچه را در مجموعه روستاها ارائه دهند؛ بنابراین، امروزه سیستم مدیریت روستایی نیز باید بر پایه شرایط مناطق و با مشارکت نهادهای مختلف با حمایت‌های بخش‌های خصوصی و دولتی انجام گیرد. در واقع توسعه و پیشرفت، متکی به حضور و مشارکت قانون‌مند همه‌ی مردم در کنار سازمان‌ها در برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عمرانی کشور است. در سطح جهانی، دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دوره‌ی تغییر برای سازمان‌ها در کلیه‌ی بخش‌ها بوده است. با توجه به تغییر سیاست‌های توسعه در کشورهای غربی و جهان سوم نظام‌های مدیریتی جدیدی سازمان‌دهی شده است. تعدیل ساختاری در کشورهای جهان سوم و سیاست‌های جدید در غرب نقش دولت را کاهش داده‌اند که در نتیجه‌ی وظایف به بخش خصوصی محول گردیده و بیشتر بر سازمان‌های داوطلبانه و غیر دولتی تکیه شده است. این تغییرات با طرح پرسش‌هایی درباره‌ی شیوه‌های گوناگون سازمان‌دهی توأم گردیده است. مدل غربی دیوان‌سالاری دارای کمبودهایی دانسته شده است. بسیاری از سازمان‌های بخش دولتی و سپس شرکت‌های زیادی در بخش خصوصی به افزایش فرصت‌ها برای طبقات محروم مردم از خود علاقه نشان داده‌اند. در جستجوی شیوه‌های جدید برای اداره‌ی سازمان‌ها مفهوم فرهنگ (نگرش‌ها و ارزش‌های غیر رسمی) مورد تأکید قرار گرفته است (Nootboom, 2001). این رویکرد جدید تحت عنوان «مدیریت دولتی نوین» برای این طراحی شده است تا جایگزین نظام بروکراتیک که زمانی در نوع خود بهترین نظام و الگو در تئوری و عمل بود، بتواند با شکستن الزاماتی چون تمرکز قدرت، رعایت سلسله مراتب اداری و مقررات خشک و انعطاف ناپذیر حوزه‌ی فکری جدیدی را در شیوه مدیریت ایجاد کند. اهداف دیگری که در این حوزه‌ی فکری مطرح بود، کاهش بار مسئولیت دولت و پرداختن به اعمال حاکمیت، تدوین خط مشی و سیاست‌گذاری به جای انجام کارها و خدمات عمومی و همه‌ی این‌ها به‌خاطر کاستن از بار هزینه‌ی دولت و خلاصه ایجاد یک دگرگونی در بخش دولتی و ارتباط آن با جامعه و دولت بود. دلایل این رویکرد و حوزه‌ی فکری جدید را نخست عدم کارایی الگوی سنتی و روبه‌رو شدن دولت‌های غربی با کاهش درآمدهای مالیاتی و محدودیت منابع، اراده سیاسی دولت‌ها و رشد بیش از اندازه دولت از یک طرف و لزوم ارائه خدمات عمومی به مردم از طرف دیگر تشکیل می‌دهد. اصلاح نظام اداری ابتدا از دهه‌ی ۱۹۸۰ و از کشورهای آمریکا و انگلستان و سپس در استرالیا و آلمان شروع شده است و سپس به دیگر کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه سرایت کرده است؛ اکنون بیشتر کشورها در حال گذار از مرحله بروکراسی سنتی و تغییر و دگرگونی در ساختار نظام اداری خود هستند (کردلو، ۱۳۸۳، ۱۱).

اگر توسعه روستایی را به عنوان فرآیندی تعریف نماییم که منجر به افزایش جمعیت روستائیان جهت کنترل محیط زیست خود، همراه با توزیع گسترده منافع حاصل از چنین کنترلی می‌گردد؛ هدف سازمان‌های توسعه روستایی در ارتقای توسعه روستایی را فقط می‌توان برحسب میزانی مشخص نمود که از منافع روستائیان با در نظر گرفتن موارد ذیل حمایت نموده‌اند: عمل کردن به عنوان ابزاری برای مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری محلی، توسعه ارتباطات دوسویه بین مردم و رهبران آنها، تسهیل

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

سازی در تأمین خدمات، بسیج منابع محلی، بیان نمودن و بررسی تقاضاها و نیازهای محلی، ایجاد آگاهی- های سیاسی، اجتماعی، توسعه قابلیت‌های رهبری محلی و اثرگذاری تغییرات در ساختار اجتماعی و یا در سیاست‌های ملی. توجه فزاینده و معطوف شده به توسعه روستایی توسط دولت‌های ملی در مناطق مختلف منجر به تدوین توسعه یکپارچگی روستایی به عنوان یک مفهوم کلیدی شده است، در این چارچوب تأکید بیشتری بر نقش بالقوه سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با توسعه روستایی است، به‌ویژه به مثابه حمایت‌های بنیادی در ارائه خدمات و نوآوری‌های تکنولوژیکی که توسط دولت‌ها برای مناطق روستایی فراهم شده است؛ بنابراین، اهمیت و نقش سازمان‌ها در سرعت بخشیدن به توسعه جوامع محلی از اهمیت زیادی برخوردار است. با شکل‌گیری دولت مدرن در جوامع غربی از قرن شانزدهم میلادی، همواره رابطه بین دولت‌ها و مردم دغدغه‌ی بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان توسعه بوده است و این مباحث منجر به طرح نظریات متنوع در خصوص رابطه دولت با ملت و دایره‌ی اختیارات و مداخله- ی حکومت در امور شهروندان شده است. بعضی‌ها پیش‌نیاز توسعه در کشورها را داشتن قدرت دولت و بعضی تفویض قدرت، تعادل قدرت و تعامل دولت و مردم می‌دانند. با این وجود، عموم کشورهای جهان بحث قدرت واقعی حکومت‌ها را در توانمندی و اقتدار ملت‌ها میدانند و حکومتی اقتدار دارد که مردم آن مشارکت و توانمندی بیشتری داشته باشند. در این راستا، جوامع مختلف برای ایجاد عدم تمرکز قدم برداشته‌اند و برای پروسه‌ی عدم تمرکز و اداری خود از رویکردها و شیوه‌های مختلفی استفاده نموده‌اند؛ البته بعضی از کشورها به اسم پروسه‌ی عدم تمرکز، عیناً تمرکز را هدف قرار داده‌اند و بحث عدم تمرکز و مشارکت مردم، به عنوان وسیله و ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به سیاست‌ها و دستورات دولت است و صرفاً مشارکت در این جوامع جنبه‌ی صوری و نمایشی داشته است. برعکس، در بعضی از کشورها پروسه- ی توانمندی، عدم تمرکز و مشارکت جنبه‌ی صوری و نمایشی نداشته و این دولت‌ها با پی بردن به ارزش واقعی مشارکت، زمینه‌های مناسب برای شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای مردمی و غیر دولتی را، از جمله تعاونی‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد تسهیل نموده‌اند. با بررسی دقیق‌تر در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، به خوبی می‌توان رابطه‌ی گسترش جامعه‌ی مدنی را با گسترش سازمان- های با نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و غیر دولتی و تعاونی‌ها و گسترش مشارکت واقعی شهروندان در اداره‌ی امور جامعه تحت سازمان یافتن این مشارکت‌ها را در قالب تعاونی‌های غیر دولتی، توجه نمود. در این راستا سازمان‌های توسعه روستایی نیز دستخوش تغییر و تحول زیادی گردیده‌اند. برای نمونه در کشورهای مختلف در حال توسعه، نهادهای نقش مهمی در تغییر ساختار سنتی و اشاعه و اشاعه توسعه پایدار ایفا کرده‌اند (صنوبر، ۱۳۹۰).

در کامبوج که به اقتصاد متکی بر کشاورزی و نوع کشاورزی خانواری و معیشتی تأکید دارند، نهادها برای حمایت و تسهیل حضور کشاورزان در زمینه‌ی توسعه و گسترش تکنولوژی پایدار اقدام به ایجاد تشکل- های مناسب نموده‌اند و مسائلی از جمله حمایت از کشاورزان کوچک، حمایت سیاسی- نهادی و دستیابی قانونی کشاورزان خرده‌پا به اراضی قابل کشت. نمونه دیگر در کشور ویتنام، نهادهای محلی در قالب انجمن‌های کشاورزان در تغییر ساختار کشاورزی برای افزایش تولید و درآمد روستاییان، حفظ منابع طبیعی و محیط زیست و ارتقاء استانداردهای زندگی مردم مشارکت فعال دارند. در تایوان انواع نهادها در بخش‌های کشاورزی و عمرانی فعالیت دارند که نقش‌های مختلفی مانند پشتیبانی منابع ارائه خدمات ترویجی، اطلاع‌رسانی، ارزشیابی و بازخورد، توسعه‌ی ارتباطات و توسعه زیرساخت‌های کالبدی را در طول

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

برنامه‌های عمران روستایی ایفا می‌کنند. در پاکستان، تشکل‌های غیر دولتی در کنار نهادهای دولتی برخی از طرح‌های توسعه روستایی را بر عهده گرفته‌اند و با توجه به نتایج بانک جهانی، عملکرد موفقیت آمیزی داشته‌اند و بر همین اساس دولت برای اثر بخشی و مشارکت نهادهای غیر دولتی، برنامه‌ریزی خاصی را در زمینه‌ی توسعه روستایی تدارک دیده است. مؤسسه توسعه روستایی مالزی یکی از عمده ترین مراکز برنامه‌ریزی توسعه روستایی مالزی است؛ این مؤسسه وابسته به وزارت توسعه روستایی است که در سطح سیاست گذاری عمل می‌کند؛ از جمله فعالیت‌های این مؤسسه شامل برنامه‌ریزی در جهت کنترل فقر روستایی، آموزش مربیان، آموزشگران و مروجین روستایی، حمایت از کودکان و محرومین روستایی، تحقیقات و پژوهش ویژه مناطق روستایی، برنامه‌ی حمایتی انتخاب رهبران روستا برای آموزش فعالیت‌های اقتصادی به روستاییان، تدوین سرفصل‌های آموزشی مدیریت روستایی و سیاست گذاری در سطح ملی برای کاهش فقر روستایی است؛ به عبارت دیگر، این مؤسسه مجری برنامه‌های مختلف در زمینه‌ی توسعه یکپارچه مناطق روستایی گردید. بنابراین سازمان‌ها و نهادها هر کدام متناسب با وظایف خود در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی نوعی مدیریت را بر عهده دارند که در محیط روستا به روند شکل گیری بهتر مدیریت منابع و محیط روستایی کمک می‌کند. در واقع عملکرد سازمان‌ها و نهادها در چارچوب تعریف شده به روند توسعه پایدار و توسعه مناطق کمک می‌کند چرا که توسعه مناطق جدا از توسعه روستایی نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر، توسعه روستایی منجر به توسعه مناطق خواهد شد. از این رو عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در زمینه روستاها ب عنوان یکی از مسائل مهم همواره مد نظر بوده است؛ به گونه‌ای که بررسی عملکرد آن‌ها از تأسیس تاکنون به صورت جداگانه یا ترکیبی می‌تواند وضعیت آن‌ها را نشان دهد و در واقع قوت‌ها و ضعف‌ها را بازگو کند. با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت پایداری و عملکرد ارگان‌ها، در سطح منطقه‌ای و ملی، بایستی شاخص‌های توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. این شاخص‌ها هستند که در واقع روند توسعه را مشخص می‌کنند. آنچه در زمینه‌ی توسعه‌ی این شاخص‌ها اهمیت می‌یابند، بحث مدیریت سازمانی و نهادی مرتبط با پایداری روستاهاست؛ توضیح این‌که این نهادها و سازمان‌ها هستند که با عملکرد صحیح یا نادرست خود، زمینه را برای تحقق شاخص‌های توسعه از جمله توسعه پایدار فراهم می‌کنند در صورتی که در یک منطقه، عملکرد سازمان‌ها و نهادها مناسب بوده باشد، مسلماً پدیده‌هایی مانند مهاجرت، مسائل زیست محیطی، کاهش منابع آب و خاک، عدم دسترسی به خدمات، افزایش فقر و نابرابری بروز نخواهد کرد و این به معنای این است که در ارتقای شاخص‌های توسعه موضوعیت مناسبی حکم فرماست. از این رو بایستی بیان نمود که پایداری مکان‌های روستایی با لحاظ کردن اهمیت نظام فضایی سکونتگاه‌های انسانی، به عملکرد درست سازمان‌ها و نهادها و همچنین مشارکت مردم بستگی دارد؛ چرا که این نهادها و سازمان‌ها هستند که با دخالت‌های بهنجار یا نابهنجار خود می‌توانند فرایند پایداری روستاها و توسعه منطقه‌ای را تحقق بخشد. (صادقی، ۱۳۹۵، ۱۳۵)

۳- روش مطالعه

این مطالعه با هدف ارزیابی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در توسعه روستایی بصورت مروری- تحلیلی صورت پذیرفته است. ابزار این مطالعه مطالعات انجام شده توسط سایر محققان و تجارب موفق و مدل‌های ارائه شده می‌باشد. بگونه‌ای که نگارنده در قدم اول ضمن بررسی اهمیت توسعه روستایی و نقش

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

سازمان های متولی در مناطق، به بیان تعاریف و دیدگاههای مرتبط با مسئولیت اجتماعی پرداخته و در قدم بعدی به بررسی نقش مسئولیت اجتماعی در رضایت مندی روستائیان اشاره می کند. در نهایت ضمن بررسی دیدگاهها و مطالعات صورت پذیرفته به جمع بندی در قبال مسئولیت اجتماعی سازمان ها در قبال روستائیان می پردازد.

۴- پیشینه موضوع

شناسایی مسئولیت اجتماعی سازمان متولی توسعه روستایی زمانی قابل ارزیابی خواهد بود که بتوان مطالعات سایر محققان را مورد بررسی قرار داد. در رابطه با مسئولیت اجتماعی سازمان ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته شده است اما در رابطه با پاسخگویی در حوزه های مختلف مطالعاتی صورت گرفته که در آمده به آن اشاره می شود.

رکن الدین افتخاری و همکاران، در مقاله ای تحت عنوان «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار در سال ۱۳۸۶» به این نتیجه رسیدند که مدیریت مهم ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند. روستاها به منزله مکان هایی خاص با شیوه زندگی و فعالیت هایی متفاوت نسبت به شهرها نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم شناختی حاکم بر روستا هستند. نگاهی به سیر تاریخی مدیریت این نکته را آشکار می سازد که شکست دولت و بازار در عرصه مدیریت در دو قرن اخیر به علت ناکارآمدی دولت و بازار بوده است. اما در دهه های اخیر، از یک سو، مدیران و برنامه ریزان روستایی بدین نتیجه رسیده اند که بدون مشارکت مردم محلی، در کنار دولت و بازار دستیابی به توسعه پایدار غیرممکن است، و از سوی دیگر، تغییر در شیوه مدیریتی مستلزم نگاهی نو به نقش نهادهای موثر در روستاست. در نتیجه، به دلیل پویایی جامعه روستایی، هیچ نسخه از پیش تجویز شده ای بدون مشارکت مستقیم مردم، دولت و بازار در فرآیند سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت پاسخگوی کاستی ها نیست. فرآیند مدیریت و برنامه ریزی روستایی نیازمند دستیابی به یک نقطه تعادل میان قدرت های موثر در آن است که از آن با عنوان مدیریت مشارکتی یاد می شود. در واقع افتخاری و همکاران جذب مشارکت مردم و پاسخگو بودن را از شاخص های مسئولیت اجتماعی سازمان های روستایی می باشد.

طالب و بخشی زاده در سال ۱۳۹۱ به بررسی نقش تعاونی های روستایی در حکمروانی محلی به این موضوع اشاره می کند که دموکراسی در تعاونی های روستایی ایران در عمل اجرا نشده و به عنوان یک روش مؤثری برای توسعه به آن نگاه نشده است. همچنین با تبیین رویکرد حکمرانی، شرکت های تعاونی روستایی می توانند در هر دو سوی سیاست های قانون-محور و سیاست های تغییر-قانون درگیر شوند. به دلیل ابهام در نگاه دولت و روستاییان به تعاونی ها، موضوع اعتماد و کنترل به شکل بارزی در رابطه بین آنها مطرح گشته است. به طور کلی چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن، دولت از ظرفیت های تعاونی های روستایی استفاده مؤثری ننموده و نقش آنها در تحقق حکمرانی روستایی نادیده گرفته شده است در حالی که تعاونی های روستایی شیوه مؤثری برای توسعه روستایی در ایران است. در واقع طالب و بخشی زاده اشار می کنند مسئولیت اجتماعی تعانی روستایی که روشنگری و پاسخگویی به نیازهای

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

اعضا و تسهیم هزینه می باشد در صورت مدیریت صحیح می تواند مسئولیت اجتماعی خود را ایفا نمایند.

علی الحسابی در پژوهش با عنوان «نقش سازمان‌های مردم نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی» در سال ۱۳۹۱ که بصورت تحلیلی صورت پذیرفته اند اشاره کردند مشارکت مردم در طرح‌های توسعه، موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیار قرار داشته و پژوهش‌ها و متون تخصصی نیز در این مورد به نظریه‌پردازی پرداخته و تعاریف، فرضیه‌ها و روش‌های مختلفی ارائه نموده‌اند. از آنجا که مردم خود به‌عنوان افراد ذینفع و مخاطبین برنامه‌های عمرانی مطرح‌اند، همفکری، همکاری و مشارکت آنان در فرایند تهیه و اجرای این برنامه‌ها از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و بسیار سودمند است. به‌دلیل ویژگی‌های حاکم بر جامعه روستایی، به‌ویژه انسجام اجتماعی، غنای فرهنگی و ظرفیت‌های کالبدی، و با توجه به زمینه مشارکت میان روستائیان، این امر به مثابه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تلقی شده و می‌تواند به‌عنوان راهبردی اصلی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی روستاها مطرح گردد. این در حالی است که در واقعیت و در مقام عمل، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای پروژه‌های مختلف در روستاها یا به‌طور کلی بدون مشارکت مردم روستا انجام می‌شود و یا مشارکت به معنای واقعی در آن صورت نمی‌پذیرد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، با استفاده از مشارکت شعاری از مردم استفاده ابزاری صورت می‌گیرد. در عین حال مشارکت فعال روستائیان در برنامه‌های توسعه کالبدی روستاها ایشان رویکردی مهم در راستای به‌دادن به نقش مردم است که توان بخشی و ابتکار عمل خود روستائیان را به‌دنبال دارد تا خود آن‌ها با توجه به نیازهایشان در عمران روستا مشارکت داشته باشند. در صورتی که مشارکت مردم در روند برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های عمران روستائی تلاشی جهت‌دار، داوطلبانه، و با نظارت و هماهنگی نهادهای مردمی سازمان‌یافته در خود روستا باشد، علاوه بر آنکه موجبات ایجاد همدلی و همبستگی بین مردم را فراهم می‌نماید، زمینه‌ساز توسعه روستایی با سرعت بیشتر و ابعاد وسیع‌تر و کارا تر است. تحقق این امر نیازمند شناخت جامع از روش‌ها و زمینه‌های مشارکت مردم روستاها در فرایند عمران روستاها و ظرفیت‌هایی است که جز با نگاه دقیق در مقیاس محلی و خرد، قابل بهره‌برداری نیستند. در واقع نتایج حاصل از مطالعه الحسابی می‌تواند این نکته را ذکر کرد که یکی از مسئولیت‌های اجتماعی برای روستائیان دخیل بودن در اقدامات روستایی می‌باشد در واقع مشارکت روستائیان می‌تواند زمینه ارتقا مسئولیت اجتماعی روستائیان با سازمان‌های مردم نهاد فراهم آورند.

فیروز آبادی و جاجرمی در پژوهش خود با موضوع وضعیت رضایت روستائیان و عوامل مرتبط با آن از عملکرد دهیاری‌ها (مطالعه موردی: روستاهای استان قزوین) در سال ۱۳۹۱ به این نتیجه رسیدند که رضایت مردم از عملکرد دهیاری‌ها نشانه توفیق مدیریت روستایی در زمینه‌های مهمی چون افزایش اثربخشی و پاسخگویی است همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که نزدیک به ۷۰ درصد از پاسخگویان از عملکرد دهیاری‌ها در روستاهای شان رضایت دارند و هرچه ارزیابی عملکردی سازمانی از دهیاری بهتر باشد، میزان رضایت در روستا بیشتر می‌شود. این میزان از رضایت برای سازمانی که حدود یک دهه از فعالیت آن می‌گذرد، درخور توجه است. در تبیین این یافته می‌توان به دو عامل عام بودن دهیاری و رفع نسبی نابسامانی ناشی از برهم خوردن مدیریت روستایی از دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به این

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

سو اشاره کرد. دهیاری‌ها توانسته‌اند در روستاهایی که فاقد مدیریت بوده‌اند با انجام کارهای عمرانی مانند آسفالت معابر و تأمین پاکیزگی محیط، رضایت نسبی را کسب کنند.

دربان آستانه در سال ۱۳۹۵ در مطالعه خود با موضوع ارزیابی و تحلیل رضایت‌مندی روستاییان از خدمات سازمان‌های محلی استان ایلام، بیان نمودند که در حکومت‌های مردم‌سالار پاسخگویی به مردم و رضایت آنها نسبت به خدمات محلی اهمیت حیاتی در جلب مشارکت مردم در اداره امور و به تبع آن موفقیت سازمان‌ها دارد. در نواحی روستایی طیف وسیعی از خدمات توسط سازمان‌های عمومی و محلی ارائه می‌شود. رضایت روستاییان از کیفیت خدمات آنها، یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد عمومی آنها نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر نتایج تحقیق نشان داد روستاییان در مجموع نسبت به عملکرد سازمان‌های محلی رضایت اندکی دارند. در این میان روستاییان دهلران کمترین و روستاییان شهرستان ایلام بیشترین رضایت را از خدمات عمومی دارا می‌باشند.

در سال ۲۰۱۲ Klanovicz و همکاران به نوعی ارتباط میان مسئولیت‌پذیری و نگرش سازمانی دست یافتند. آن‌ها در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که تنها شرکت‌هایی که درست‌یابی به استانداردهای اخلاقی مسئولیت‌پذیری اجتماعی را جزو اهداف خود قرار دهند، نسبت به مسئولیت‌پذیری اجتماعی نگرش مطلوبی دارند. Hapkin در سال ۲۰۱۶ ابعاد مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در خصوص مسئولیت‌های اجتماعی در نظر داشت. شدند. در تحقیق دیگری در سال ۲۰۰۷ Perera بر اساس ابعاد دوگانه زیر، سه نوع مسئولیت‌پذیری سازمانی را در خصوص مسائل اجتماعی معرفی کرد

- میزان پایداری / عدم پایداری مسئولیت سازمان در قبال مسائل اجتماعی
 - کسب منفعت مستقیم سازمان / منفعت غیرمستقیم از مسئولیت اجتماعی سازمان
- Weitz-Shapiro در سال ۲۰۰۸ به بررسی رابطه بین حکومت محلی و رضایت‌مندی روستائیان پرداخته است. نتیجه‌ی تحقیق او نشان دهنده پیوند میان عملکرد حکومت محلی با نظام مورد حمایت شهروندان است.
- Lackey و همکاران در ۲۰۰۲ مطالعه‌ای در سطح حکومت‌های محلی روستایی دره تنسوی، سعی در بررسی عملکرد حکومت محلی و رضایت‌مندی روستائیان نموده است و مشخص شد سطح همکاری نشان دهنده پویای سازمانی و پاسخگویی مناسب به روستائیان می‌باشد.

۵- نتیجه‌گیری و بحث

روستاها بخش مهمی از توسعه یک کشور را برعهده دارند که عوامل مختلفی در توسعه آن مؤثر است. دستیابی به توسعه روستایی نیازمند همدلی و هماهنگی بین تمامی سازمان‌های متولی حوزه روستایی می‌باشد. یکی از ارکان اساسی هماهنگی تبادل تجربیات و پاسخگو بودن در قبال ذینفعان و ارباب رجوعان می‌باشد. در مناطق روستایی عمده سیاست‌ها و نظام برنامه‌ریزی بصورت متمرکز بوده و انعطاف‌پذیری کمتری نسبت به سایر برنامه‌ها دارد. این نوع نظام برنامه‌ریزی کمتر امکان شفافیت و تأمین نیازهای عامه مردم را فراهم می‌آورد. مناطق روستایی در قیاس با مناطق شهری، اهمیت استراتژیک بیشتری دارد. شاید از جمله این ضرورت‌ها بتوان به اهمیت تأمین نیاز غذایی، پراکنده مناطق روستایی و توسعه نیافتگی مناطق روستایی اشاره کرد. در حال حاضر سازمان‌های زیادی متولی اجرای طرح‌های توسعه‌ای و خدماتی در مناطق روستایی می‌باشند که عمدتاً در حوزه‌های رفاهی،

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

خدماتی و مدیریتی در حال انجام وظایف خود می باشند. یکی از نیازهای هر سازمانی لزوم نظارت و ارزشیابی اقدامات انجام شده و توجه به چشم اندازهای آتی این سازمان ها می باشد که در قالب مسئولیت اجتماعی نمود پیدا می کند. این مطالعه نشان داد مسئولیت اجتماعی سازمان ها فقط به انجام یک طرح خلاصه نمی شود و باید قبل، حین یا بعد از اجرای طرح بصورت مستمر مورد نظارت و ارزشیابی قرار بگیرد. در خاتمه می توان گفت مسئولیت اجتماعی در سازمان های متولی روستا می توان شامل موارد زیر باشد

- ۱- استفاده از نظرات و دیدگاههای مردمی جهت برنامه ریزی و تعیین اهداف توسعه ای
 - ۲- استفاده از ظرفیت ها و قابلیت های روستائیان در انجام طرح توسعه
 - ۳- شفاف سازی و پاسخگو بودن سازمان در قبال اقدامات انجام شده به روستائیان
 - ۴- احترام و تکریم روستائیان در سازمان های خدماتی و حمایتی
 - ۵- همکاری و همفکری با سازمان های مردم نهاد در انجام طرح ها و اقدامات عمرانی و رفاهی
- عملکرد مناسب نهاد ها و سازمان های مرتبط با نواحی روستایی یکی از این موارد است در واقع نقش اجتماعی و مشارکت سازمان ها یکی از ابزار های مهم در توسعه روستایی می باشد. چرا که هر سازمان بر اساس نیاز، توانایی گروه های مختلف روستایی در موضوعات ضروری و گوناگون محیط بومی و محلی جهت اجرای برنامه های توسعه می تواند ایجاد گردد. همچنین لازمه ی پیشبرد اهداف توسعه روستایی، تنظیم حرکت و برنامه ریزی در بخش های مختلف اقتصادی اعم از آب، صنعت، انرژی، حمل و نقل، بازرگانی و غیره در جهت تقویت و هم افزایی بخش هاس صنعت، خدمات و بخش کشاورزی می باشد در این راستا در بخش کشاورزی، اولویت در تامین اعتبارات عمرانی فصول آب و کشاورزی و منابع طبیعی، افزایش سهم تسهیلات بانکی ارزان و سهل الوصول، توجه به عمران و بهسازی روستا، واگذاری امور تولیدی و توزیعی و حتی الامکان سایر امور به روستائیان و احیا و بهره برداری از جنگلها، مراتع و منابع دریایی و آبیان، حفظ گونه های گیاهی و جلوگیری از بیابان زایی اموری است که با همکاری سازمان یافته و مستمر سازمان های مردم نهاد و سایر ادارت و نهادهای دخیل در فعالیت توسعه روستایی شکل می گیرد. لازمه ی نیل به توسعه پایدار روستایی این است که ارگان های مرتبط با توسعه روستا به ویژه سازمانهای مردم نهاد وظیفه و نقش اجتماعی خود را به بهترین نحو انجام دهند که برای این مهم پیشنهادات زیر ارائه می شود.
- ۱- شناخت دقیق و عمیق وضعیت زندگی روستائیان
 - ۲- فراهم نمودن امکانات آموزشی لازم در ابعاد اقتصادی، آموزشی، سیاسی و فرهنگی برای ساکنین روستایی در راستای دستیابی به توسعه پایدار
 - ۳- تأمین مالی روستائیان در قالب اعتبارات خرد وکلان در راستای توسعه پایدار روستایی
 - ۴- تقویت حس اعتماد و همکاری در بین روستائیان و
 - ۵- مدیریت روستایی با سبک توسعه ای خاص (عدم ارائه یک روش یکپارچه در مجموع روستاها) و...

منابع و ماخذ:

۱. ابراهیم زاده، ع، ۱۳۸۹، نقش مهاجرت های روستایی در اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: متروپل اهواز)، فصلنامه پژوهش های روستایی، (۱) ۲۵ تا ۲۹.

هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۲. ارنامی، محمد مهدی، ۱۳۸۷، استراتژی های انجام مسؤولیت اجتماعی سازمان ها، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت، دانشگاه تهران، ۳۱ تا ۳۳.
۳. افتخاری، ر، عینالی، ج، ۱۳۸۶، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، فصلنامه روستا و توسعه ۱(۲)، ۱۰ تا ۳۰.
۴. امیدوار، ع، ۱۳۸۷، ترویج مسؤولیت اجتماعی شرکت ها، تکمیل کننده و جایگزین سیاست ها و وظایف دولت، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی، ۲۱: ۸۰ تا ۹۰.
۵. تودارو، م، فرجادی، غ، ۱۳۹۰، توسعه اقتصادی در جهان سوم، انتشارات کوهسار، چاپ هجدهم، ۲۵۰ تا ۲۵۵.
۶. حاجی زاده، ش، ۱۳۹۳، بررسی نظری نقش سازمان های مردم نهاد در روند توسعه پایدار با تأکید بر توسعه روستایی، دومین همایش ملی رویکردی بر حسابداری، مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد فومن رشت، مهرماه ۱۳۹۳.
۷. الحسابی، ع، ۱۳۹۱، نقش سازمان های مردم نهاد و رهبران محلی در توسعه روستایی (نمونه موردی: بندر لافت)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۳۴(۳)، ۳۰ تا ۴۸.
۸. دربان آستانه، ع، ۱۳۹۵، ارزیابی و تحلیل رضایت مندی روستاییان از خدمات سازمان های محلی استان ایلام، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۰، ۱۵ تا ۳۶.
۹. رضوانی، م، برنامه ریزی توسعه روستایی (مفاهیم، راهبردها و فرایندها)، مجله ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، از ۲۲۱ تا ۲۴۰.
۱۰. زاهدی مازندرانی، م، ۱۳۸۸، نقش سازمان های غیردولتی در توسعه پایدار، تهران، انتشارات مازیار، چاپ اول.
۱۱. صادقی، ح، صالحی، م، قبادی، ش، ارزیابی و عملکرد نهادها و سازمان های مرتبط با پایداری روستاها (مطالعه موردی: بخش دهدز در شهرستان ایذه)، فصلنامه اقتصاد قضا و توسعه روستایی، ۲(۵)، ۱۱۹ تا ۱۴۰.
۱۲. صلواتی و همکاران، بررسی عوامل مؤثر بر مسؤولیت پذیری اجتماعی در تعاونی های روستایی شهرستان های سنندج و کامیاران، فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۳(۱۲)، ۱۵۷ تا ۱۷۷.
۱۳. صنوبر، ن، حیدریان، ب، ۱۳۹۱، شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر مسؤولیت پذیری اجتماعی شرکت ها در ایران، دو فصلنامه علمی جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، ۱: ۷۱ تا ۸۹.
۱۴. طالب، م، بخشی زاده، ح، ۱۳۸۸. سازمان های متولی توسعه روستایی در ایران، تهران: پیوند مهر، ۱۳۸۸.
۱۵. کردلو، م، ۱۳۸۷، بررسی عوامل مؤثر بر مسؤولیت پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه، ۱۳: ۱۱ تا ۴۱.
۱۶. نیازی، ع، امینی، غ، ۱۳۸۷، استاندارد و مسؤولیت اجتماعی سازمان ها، ماهنامه کنترل کیفیت، ۲۷: ۱۴ تا ۱۶.
۱۷. Hopkins, M. (۲۰۱۶). The planetary bargain: corporate social responsibility comes of age. Springer, ۳۸-۶۸.
۱۸. Garriga, E., & Melé, D. (۲۰۰۴). Corporate social responsibility theories: Mapping the territory. Journal of Business Ethics, ۵۳, ۵۱-۷۱.
۱۹. Greenwood, M. (۲۰۱۳). Ethical analyses of HRM: A review and research agenda. Journal of Business Ethics, ۱۱۴, ۳۵۵-۳۶۶.
۲۰. Greenwood, M. R. (۲۰۰۲). Ethics and HRM: A review and conceptual analysis. Journal of Business Ethics, ۳۶, ۲۶۱-۲۷۸.
۲۱. Lackey, S. B., Freshwater, D., & Rupasingha, A. (۲۰۰۲). Factors influencing local government cooperation in rural areas: Evidence from the Tennessee Valley. Economic Development Quarterly, ۱۶(۲), ۱۳۸-۱۵۴.
۲۲. Neumeier, S. (۲۰۱۲). Why do social innovations in rural development matter and should they be considered more seriously in rural development research?—Proposal for a stronger focus on social innovations in rural development research. Sociologia ruralis, ۵۲(۱), ۴۸-۶۹.
۲۳. Ngeh, D. B. (۲۰۱۳). Non-Governmental Organizations (NGOS) and Rural Development in Nigeria. Mediterranean Journal of Social Sciences, ۴(۵), ۱۰۷.
۲۴. Nootboom, B. (۲۰۰۴). Governance and competence: how can they be combined?. Cambridge Journal of Economics, ۲۸(۴), ۵۰۵-۵۲۵.
۲۵. Perera, L. C. R., and Chaminda, J. W. D. (۲۰۱۳). Corporate social responsibility and product evaluation: The moderating role of brand familiarity. Corporate Social Responsibility and Environmental Management, ۲۰(۴), ۲۴۵-۲۵۶.

۲۶. Voegtlin, C. and Greenwood, M. (۲۰۱۶). Corporate social responsibility and human resource management: A systematic review and conceptual analysis. *Human Resource Management Review*, ۲۶ (۲) ۱۸۱-۱۹۷.
۲۷. Voegtlin, C., Patzer, M., and Scherer, A. G. (۲۰۱۲). Responsible leadership in global business: A new approach to leadership and its multi-level outcomes. *Journal of Business Ethics*, ۱۰۵, ۱-۱۶.
۲۸. Weitz-Shapiro, R. (۲۰۰۸). The local connection: Local government performance and satisfaction with democracy in Argentina. *Comparative Political Studies*, ۴۱(۳), ۲۸۵-۳۰۸.

Social responsibility of organizations in rural development

Abstract

The sustainable development of rural people is the achievement of maximum satisfaction of the villagers. In the present era, the ultimate of organizational approach in any society is to attract the maximum satisfaction of the beneficiaries. Because of the nature-oriented development of its rural communities more than other communities in need to satisfy their stakeholders. In relation to the issue of rural development in Iran, there are many trusted organizations that are directly and indirectly linked to the target community. Interference of organizational tasks lead to failure to achieve predetermined goals. Considering the discussed issues and the necessity of responding to the villagers, this study was conducted with the aim of evaluating the social responsibility of the institutions and organizations responsible for rural areas in an analytical review based on the studies carried out. The results of the study showed that The requirements of organizational commitment to social responsibility include: attention to stakeholders needs, clarity of measures and the need to respond to the rural target community. On the other hand, lack of insight and reverence for the villagers in providing services causes the villagers' dissatisfaction with organizational performance. Another point in rural development is poor participation or a small share of NGOs in implementing rural projects, and a centralized executive system cannot succeed to achieve the goals of rural sustainable development.

Keywords: Social responsibility, Organizations, Rural development.